

## ساختار اقتصادی و اجتماعی شاهرود در نیمه اول عصر قاجار

هوشنگ خسرو بیگی\*

زهرا قنبری مله\*\*

### چکیده

رویکرد تاریخ اجتماعی و تاریخ محلی در شناسایی فضای تاریخی - کالبدی شهرها کارگشاست، اگرچه داده ها در باب وضعیت معیشتی و فرهنگ حاکم بر طبقات اجتماعی در دوره قاجار اندک است. مقاله حاضر با هدف بررسی علل و عوامل رونق اقتصادی شاهرود و تاثیر آن بر اوضاع اجتماعی این شهر در نیمه اول عصر قاجار می پردازد. نتیجه پژوهش که حاصل جمع آوری اطلاعات و استخراج داده های تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از استدلال های تاریخی است، نشان می دهد شاهرود به دلیل قرار گرفتن در مسیر کاروان های زیارتی از یک سو و از سوی دیگر به دلیل ورود کالاهای روسی به این شهر به عنوان انبار شرق ایران، از رونق اقتصادی و تجاری ویژه ای برخوردار بود و این عوامل در فضای کالبدی شهر تاثیرگذار بود. این پژوهش بر به شناسایی و بررسی علل و عوامل موثر در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی شاهرود در اوایل دوران قاجار تمرکز دارد.

**کلیدواژه ها:** شاهرود، قاجار، محلات، اقتصاد، جمعیت، راهها.

### ۱. مقدمه

پژوهش های تاریخی پیرامون تاریخ اجتماعی و اقتصادی با رویکرد تاریخ محلی عمر کوتاهی در تاریخ ایران دارد. گرچه در سنت تاریخ نگاری ایرانی اسلامی برخی از مورخان با تمرکز بر یک محدوده جغرافیایی (ولایت یا شهر) به ثبت و ضبط اطلاعات تاریخی پرداخته اند اما امروزه با شکل گیری مطالعات میان رشته ای و توجه به تاریخ اجتماعی و

\* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، kh\_beagi@pnu.ac.ir

\*\* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)، z.ghanbari@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۲۵

اقتصادی می‌توان به تحولات اجتماعی و معیشتی مردم در گذشته پی برد. در این میان مطالعه بر روی تاریخ عصر قاجار به دلیل کثرت و تنوع منابع در این دوره سبب شد تا پژوهش‌های نوینی در حوزه بررسی اوضاع اجتماعی و اقتصادی شهرها نگاشته شود. شاهرود یکی از شهرهای مهم استان سمنان است که در حد فاصل شهرهای دامغان در شرق، سبزوار در غرب و گرگان در شمال بوده است و تقریباً در میانه راه تهران - مشهد قرار دارد.<sup>۱</sup> شاهرود در عصر قاجار به دلیل موقعیت مناسب طبیعی در مقایسه با سمنان و دامغان و قرار گرفتن در ورودی خراسان با مرکز و شرق ایران، داشتن بستر تجاری و بازرگانی مطلوب در دوران قاجار و در نهایت قرار داشتن در مسیر زیارتی، این شهر را در شرایط درخشان اقتصادی و تجاری قرار داد.

بررسی بر روی پیشینه تحقیق در مورد شهر شاهرود نشان می‌دهد کمتر اثری جامع در مورد تاریخ این شهر نگاشته شده است؛ کتاب «تاریخ جامع شهرستان شاهرود» اثر محمدعلی شفیعی است که با موضوع معرفی پیشینه تاریخی شهرستان شاهرود در پنج بخش نگارش یافته است که بخش سوم آن شامل رویدادهای گذشته شاهرود از دوران قدیم تا عصر حاضر است که به طور کلی به روایت تاریخی از این شهر پرداخته است (شفیعی، ۱۳۸۷). از جمله مقالات نگارش یافته در معرفی شاهرود می‌توان به «شاهرود و مجموعه تاریخی بسطام» از کیوان لولویی و «یافته‌های نوین پیرامون تاریخ گذاری مسجد جامع شاهرود» اثر ابوالفضل حمید اشاره کرد که مقاله نخست به معرفی آثار باستانی بسطام و شاهرود و مقاله دوم به صورت جزئی تر به معرفی مسجد جامع شاهرود می‌پردازد. از همین رو ضمن نوین بودن موضوع مورد پژوهش، نگارندگان برآن هستند تا ضمن بررسی اوضاع اجتماعی و اقتصادی شاهرود از زمان روی کارآمدن قاجارها در نیمه اول قاجار، به این سوال اصلی بپردازند که چه عواملیدر پدیدآمدن رشد اقتصادی در این شهر موثر بوده است و چه تاثیری بر روی اوضاع اجتماعی و جمعیتی این شهر داشته است.

## ۲. جغرافیای تاریخی شهر

با استناد به قول شیروانی در کتاب بستان السیاحه، شاهرود زمانی جزو طبرستان (شیروانی، ۱۳۰۱: ۳۰۵) و زمانی دیگر بخشی از ایالت خراسان (شیروانی، ۱۳۴۹: ۵۲۲) محسوب می‌شد. مک گرگر (McGregore) در سفر خود به خراسان به سال ۱۲۹۲ق، شاهرود را در کنار بسطام<sup>۲</sup> جزوی از تقسیمات شهری این ایالت می‌داند (مک گرگر، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۳۷).

ملگونف (Mulgonef) به سال ۱۲۷۶ ق شاهرود را ولایتی جدا از سمنان و دامغان دانسته است که از شرق به روستای میامی، از غرب به تاش و از جنوب به روستای ده ملا مرتبط بوده است (ملگونف، ۱۳۷۶: ۱۷۷). ادوارد بروان نیز در سال ۱۲۹۳ ق با ترسیم نقشه ای از ایران عصر ناصری، خط مرزی شاهرود را از شمال به استرآباد، از غرب به دامغان و در جنوب و شرق به خراسان می داند (Browne, 1893: 3). در سال ۱۳۱۲ ق نیز استرآباد، گرگان، سمنان، دامغان، شاهرود و بسطام در یک ایالت قرار داشتند (قاسمی، ۱۳۸۹: صفحات متعدد).

مک گرگر شاهرود را شهری محصور بر دامنه یک برآمدگی می داند که توسط دیوارهایی که بدور آن کشیده شده است محافظت می گردد. این شهر دارای دو دروازه بزرگ در شرق و غرب بود و ارگ شهر نیز در شمال شرق این شهر قرار داشت و به تایید بسیاری از سفرنامه نویسان این بنا دارای استحکام نبود (مک گرگر، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۱۵ و نیز baker, 1876 : 144).

شاهرود در کنار دشتی حاصلخیز قرار داشت و همین امر موجب تولید محصولات متنوع و فراوان در این شهر شده بود. رودشاه، مهمترین رود در این منطقه، پس از آبیاری بسطام از کنار شاهرود می گذشت و اهالی این نواحی از آب آن استفاده کافی می بردند (مک گرگر، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۱۵).

گرچه از بسطام در اوایل عصر قاجار بیشتر از شاهرود یاد شده است اما بتدریج و در نتیجهی تحولات متعددی که در دوران حکومت قاجارها رخ داد بسطام از رونق افتاد و شاهرود مهم گشت (ییت، ۱۳۶۵، ج ۱: ۳۶۵). از همین رو شاهرود پیش از بنای حصار به دور آن، قصبه ای محسوب می شد که پس از ایجاد آن توسط محمد صالح خان عرب، حاکم شاهرود و بسطام، به عنوان یک شهر مطرح گردید. این حصار بعدها در زمان اسماعیل خان و قادر خان عرب عامری مرمت و بازسازی شد (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۵، ج ۳: ۲۶۷ و ۲۵۲). با این وجود بر اساس گزارش های متعدد حاکم شاهرود و بسطام یک نفر بود (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۳، ج ۳: ۱۷۱۲، ۱۷۱۴، ۱۷۳۰، ۱۷۸۵) که محل استقرار وی در بسطام قرار داشت (مک گرگر، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۱۴ و نیز خانیکوف، ۱۳۷۵: ۹۰). بر همین اساس بسطام به عنوان پایگاه سیاسی و شاهرود به عنوان شهری تجاری و اقتصادی در منطقه محسوب می شد که در کنار هم مالیات را به دولت مرکزی پرداخت می نمودند (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۶، ج ۱: ۹۲ و نیز فیروز میرزا، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۱).

### ۳. فضای کالبدی شهر

میرزا ابراهیم و ملگونف هر دو بر تعداد ۶ محله در شاهرود به سال ۱۲۷۶ ق اشاره می‌کنند اما نامی از آنها نمی‌برند (میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵: ۲۵ و نیز ملگونف، ۱۳۷۶: ۷۶). در سفر دوم ناصرالدین شاه به این شهر در سال ۱۳۰۰ ق، به سه محله در این شهر اشاره شده است: باغ زندان، ده و قلعه معروف به قلعه نوروز (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۱: ۲۴۰). اعتماد السلطنه نیز در سال ۱۳۰۳ ق از ۴ محله به نام های قلعه دلوا، بیدآباد، ده و عمارت یاد کرده است (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۵، ج ۳: ۲۵۲)

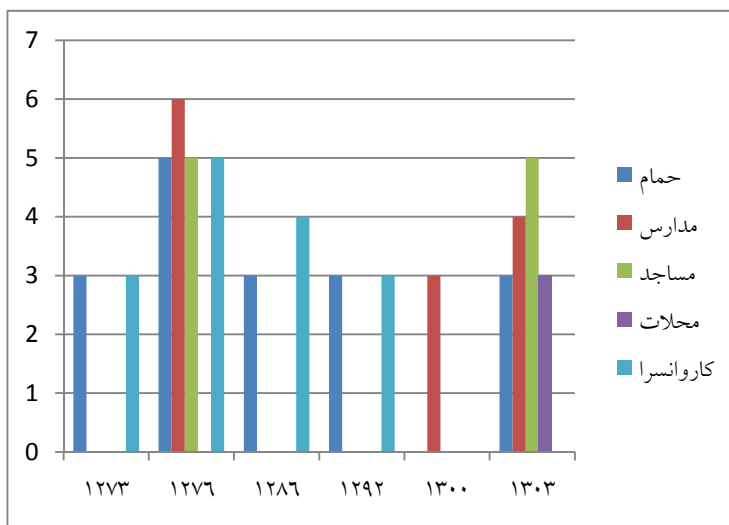
جدول ۱: جدول رشد و تغییر محلات شاهرود در فاصله زمانی ۱۲۷۶ تا ۱۳۰۳ ق

ردیف	عنوان محلات	۱۲۷۶ ق	۱۳۰۰ ق	۱۳۰۳ ق
۱	قلعه		*	*
۲	ده		*	
۳	باغ زندان	*	*	*
۴	بیدآباد			*
۵	دلوا			*

در هریک از محله‌ها بر حسب میزان جمعیت و گستردگی شهر و متناسب با نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فضاهای کالبدی پدید آمده است که از جمله این فضاها می‌توان به مدارس، مساجد و کاروانسراها اشاره کرد. از جمله مدارس این شهر، مدرسه محمد زمان خان، مدرسه بیدآباد و مدرسه بازار بود که در سال ۱۲۰۶ ق ساخته شده بود (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۵، ج ۳: ۲۵۴) و از مساجد آن نیز می‌توان به مسجد قدیم شاهرود در خارج از شهر، مسجد جامع یا مسجد حاج ملا علی، مسجد حضرت مجتبی در میانه بازار و مسجد مدرسه بیدآباد اشاره نمود (همانجا). از جمله کاروانسراهای شاهرود در این دوره می‌توان به کاروانسرای یک در، حاجی اسماعیل و حاجی ابوطالب اشاره نمود (همان: ۲۵۱). وامبری (wambri) بر این امر تاکید می‌کند که شاهرود دارای چندین کاروانسرای بزرگ است که یکی از بزرگترین آنها در اختیار کارخانه شرکت تجاری روسیه به نام قفقاز قرار گرفت. وی به موقعیت و نام این کاروانسرا اشاره ای نکرده است اما این شرکت کالاهای خود را از استراخان و باکو و از راه استرآباد وارد شاهرود می‌کرد و عملاً تجارت انگلستان در منطقه خراسان از رونق افتاد (وامبری، ۱۳۸۱: ۲۹۲).

جدول ۲. فضای کالبدی شهر شاهرود در دوره قاجار

سال	فضای کالبدی	کاروانسرا	محلات	مساجد	مدارس	حمام	مغازه
۱۲۵۰ ق (Conolly, 1834, VOL.1: 218)		-	-	-	-	-	۳۰۰
۱۲۷۳ ق (Fertier, 1857: 75)		۳	-	-	-	۳	-
۱۲۷۶ ق (میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵: ۲۵)		۵	۶	۵	-	۲	۱۷۰
۱۲۷۶ ق (ملگوف، ۱۳۷۶: ۷۱)		۵	۶	۵	-	۲	۱۷۰
۱۲۸۶ ق (اعتماد السلطنه، ۱۳۱۷ / ۱: ۳۵۱)		۶	-	-	-	۴	-
۱۲۹۲ ق (Baker, 1876: 144)		۶	-	-	-	۳	-
۱۳۰۰ ق (ناصرالدین، ۱۳۱۱: ۳۴۰)		-	۶	-	-	-	-
۱۳۰۳ ق (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۵: ۳ / ۲۵۵-۲۵۱)		۶	-	-	-	-	۱۰۰



نمودار ۱. مقایسه فضای کالبدی شهر شاهرود در دوره قاجار (۱۲۵۰-۱۳۰۳ ق)

در این نمودار تعداد دکان ها وارد نشده است.

#### ۴. بافت قومی و تغییرات جمعیتی شهر

آرتور کانالی، سیاح انگلیسی، در سفرنامه خود در سال ۱۲۵۰ق، بافت قومی ساکن در شاهرود را متشکل از عرب‌ها از قبایل عامری، ترکمن‌ها و خراسانی‌ها شامل طَبسی و بیرجندی می‌داند که به دلیل سکونت مداوم در این منطقه به فارسی تکلم می‌کردند (Conolly, 1834: 219). فریزر نیز در سال ۱۲۴۱ق نیز از این ترکیب جمعیتی یاد کرده است (Fraser, 1825: 343). بیکر نیز در سال ۱۲۹۲ق ترکیب جمعیتی خراسانی‌ها و ترکمن‌ها در شاهرود را می‌پذیرد اما در کنار آن از مازندرانی‌های ساکن در شاهرود هم یاد می‌کند. با این وجود بر این عقیده است که تعداد ترکمن‌های ساکن در این شهر به مراتب از تعداد خراسانی‌ها و مازندرانی‌ها بیشتر است (Baker, 1876: 144) و عمده‌ترین آنها ترکمن‌های شامبیاتی و قراچه داغی بودند (ferrier, 1857: 75 و نیز شیندلر، ۱۳۵۶: ۱۰). بیشترین تعداد اعراب نیز در بسطام سکونت داشتند (سپهر، ۱۳۷۷، ج ۲: ۶۴۴).

در ۱۲۵۹ق، بافت قومی و جمعیتی شاهرود با ورود تجار روسی، ارمنی و انگلیسی به دلیل فعالیت تجاری در این منطقه شکل جدیدتری به خود گرفت (شیندلر، ۱۳۵۶: ۱۰). مارش در سفر خود به شاهرود در سال ۱۲۹۳ق بر سکونت تجار ارمنی و روسی در این شهر اشاره کرده است (Marsh, 1877: 83).

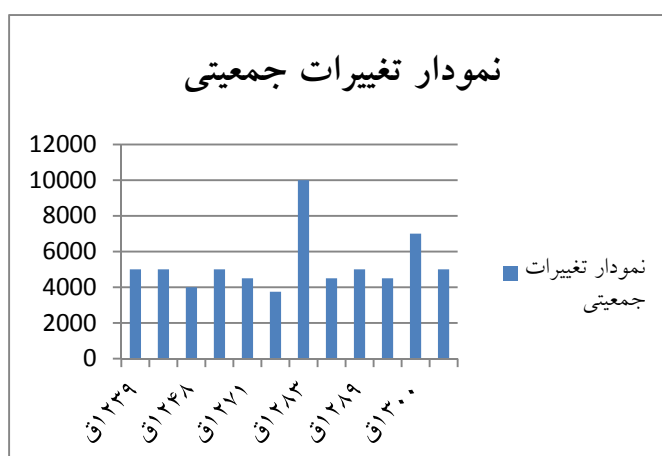
به لحاظ تغییرات جمعیتی نیز شاهرود آهنگ متفاوت رشد جمعیت را در عصر قاجار تجربه کرد که از مهمترین عواملی که در این تغییرات جمعیتی نقش داشته‌اند می‌توان به شیوع انواع بیماری‌ها و بلاهای طبیعی در این شهر اشاره کرد که در سال‌های متعدد در روند آهنگ تغییر جمعیت نقش داشته است به گونه‌ای که زلزله سال ۱۲۴۶ق خسارت مالی و جانی بسیاری برجای گذارد (واتسون، ۱۳۵۴: ۲۴۲). با فرار استرآبادی‌ها به شاهرود، بیماری طاعون که در استرآباد شیوع یافته بود در این شهر انتشار یافت و منجر به مرگ ۱۵۰ نفر از اهالی این شهر شد (ناطق، ۱۳۵۶: ۳۳). در دو سال پیاپی ۱۲۷۲ و ۱۲۷۳ق بیماری وباد در این شهر شیوع یافت که منجر به مرگ بسیاری از شاهرودی‌ها شد (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۱۹۱۳/۳).

شیوع بیماری وباد در شاهرود به حدی بود که در بین دامهای این شهر نیز شایع گشت و به لحاظ اقتصادی نیز تلفات بسیاری را بر دامهای شاهرود وارد ساخت (همان: ۲۰۱۸). شیوع بیماری ذات‌الریه نیز در سال ۱۳۰۷ق خسارت جانی کمی برجای گذاشت (همان، ۱۳۰۷: ۴/۲۸۵۲ و نیز همان: ۲۸۶۸ و نیز کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۸۶-۳۸۷). جدول شماره ۳ و نمودار شماره

۲ جمعیت تقریبی شاهرود و روند متغیر رشد جمعیت را بین سالهای ۱۲۳۹-۱۳۰۵ ق به استناد منابع نشان می دهد. بررسی روند تغییرات جمعیتی نشان می دهد این شهر علی رغم شیوع بیماری ها، توانست رشد نسبی جمعیتی خود را حفظ کند.

جدول ۳: آمار جمعیتی شاهرود در دوره قاجار

سال	جمعیت	منبع
۱۲۳۹ ق	۵۰۰۰ نفر	(Fraser, 1825: 343)
۱۲۴۷ ق	۵۰۰۰ نفر <sup>۳</sup>	(شیروانی، ۱۳۰۱ : ۳۰۵)
۱۲۴۸ ق	۴۰۰۰ نفر	(Conolly, 1834: 218)
۱۲۶۸ ق	۵۰۰۰ نفر <sup>۴</sup>	( شیندلر، ۱۳۵۶، ۹)
۱۲۷۱ ق	۴۵۰۰ نفر <sup>۵</sup>	(Ferrier, 1857, VI:75)
۱۲۷۶ ق	۳۷۵۰ نفر <sup>۶</sup>	( میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵ : ۲۹ و نیز ملگونف، ۱۳۷۶ : ۷۶)
۱۲۸۳ ق	۱۰۰۰۰ نفر <sup>۷</sup>	( حکیم الممالک، ۱۲۸۶ : ۸۸)
۱۲۸۶ ق	۴۵۰۰ نفر	( اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷، ج: ۱، ۳۵۱)
۱۲۸۹ ق	۵۰۰۰ نفر <sup>۸</sup>	( مک گرگر، ۱۳۳۸، ج: ۲، ۱۱۵)
۱۲۹۰ ق	۴۵۰۰ نفر	(Baker, 1876: 144)
۱۳۰۰ ق	۷۰۰۰ نفر <sup>۹</sup>	(اعتماد السلطنه، ۱۳۵۵، ج: ۳، ۲۵۱)
۱۳۰۵ ق	۵۰۰۰ نفر	( کرزن، ۱۳۸۰، ج: ۱، ۳۳۷)



نمودار ۲. تغییرات جمعیتی در شاهرود در دوره قاجار (۱۲۳۹-۱۳۰۵)

## ۵. وضعیت اقتصادی شاهرود در عصر قاجار

شاخص‌های متعددی در توسعه ساختار اقتصادی شاهرود در دوران قاجار موثر بوده است که از جمله آنها می‌توان به راهها و ارتباطات، مبادلات تجاری و معادن اشاره نمود. شاهرود به دلیل قرار داشتن در شاهراه بازرگانی و زیارتی تهران به مشهد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. بسیاری از سفرنامه‌نویسان و جهانگردانی که از این شهر دیدار کرده‌اند بر اهمیت شاهرود به دلایل فوق‌الذکر اذعان نمودند (Marsh, 1877: 82 و نیز Baker, 1876: 143 و نیز Ferrier, 1857: 75). اما خطر حمله‌ی ترکمن‌ها به کاروان‌های تجاری و مسافرتی سبب شد تا دولت برای حفظ جان و مال مردم در این منطقه از افواج نظامی سود جوید. فریزر حملات ترکمن‌ها را چنان مهم ارزیابی می‌کند که دولت مرکزی در سال ۱۲۳۹ق، ۲۰۰۰ نفر تفنگچی را برای حفظ امنیت راهها در شاهرود اسکان داد (Fraser, 1825: 343). به عبارت دیگر قراچه‌داغ‌ها همان دسته محافظی بودند که برای دفع حملات ترکمن‌ها در این شهر اسکان یافته بودند (فریزر، ۱۳۶۴: ۲۶۴) و آقاسی خان حاکم شاهرود و بسطام نیز نقش موثری در سرکوبی حملات آنها داشته است (غفاری، ۱۳۶۹: ۱۳۷). اهمیت این مسیرتأحدی است که حکام این منطقه را وا داشته بود تا به منظور رفاه حال مسافران و زوار، به ساخت قنات، کاروانسرا و چاپارخانه بپردازند. اقدامات عباس قلی خان و مرتضی قلی خان حاکم شاهرود به سال ۱۲۷۲ق از این نوع بوده است (وقایع اتفاقیه، ۱۲۷۲: ۱۱/۲-۲۷). همچنین شاهرود یکی از منزل‌گاه‌های تجاری میان مازندران و عراق عجم محسوب می‌شد (وامبری، ۱۳۸۱: ۲۹۲) که در عصر قاجار به عنوان قطب اقتصادی و بازرگانی دارای اهمیت بسیار بود (بیت، ۱۳۶۵: ۳۶۵).

اهمیت شاهرود به لحاظ تجاری و اقتصادی پس از عهدنامه ترکمن‌چای و سکونت روس‌ها در آشوراده در سال ۱۲۵۲ق بوده است. روس‌ها در ظاهر به بهانه سرکوبی ترکمن‌ها، با ایجاد پایگاه دریایی در آشوراده، نظارت کاملی بر جاده میان دریا و شاهرود داشتند. بر همین اساس دوره به شاهرود ختم می‌شد که یکی از دوره‌ها به دلیل وجود سلسله جبال البرز به لحاظ نظامی، یک جاده‌ی مناسب محسوب می‌شد؛ به طوری که دستیابی به شاهرود نه تنها به لحاظ تأمین احتیاجات زیستی نظیر خوراک، آب و سایر منابع میسر می‌شد بلکه بر اهمیت شاهرود به عنوان تنه‌مدخل خراسان به غرب و راه ارتباطی به دریای مازندران می‌افزود. از همین رو استقرار نیرو در این منطقه منجر به قطع ارتباط خراسان با سایر مناطق می‌شد (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: صفحات ۲۸۳، ۲۵۹، ۲۵۸، ۲۵۱ و نیز صفایی، ۱۳۴۷: ۴).



مک گرگر با نگاهی هدفمند و بر اساس برنامه های استعماری براین باوراست تصرف ناحیه شاهرود و بسطام توسط روس ها این فرصت رادراختیار آنها قرارمی دهد که در امور مناطق شرق وغربایران اعمال نفوذشدیدی داشته باشند ودرعین حال حفظ خطوط ارتباطی نیروهایی که از یکی از راه های جنوب اترک به سویمشهد یاهرات پیشروی کند، ضروری بوده است (مک گرگر، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۱۵). کشیده شدن تلگراف شاهرود به بندرگز وشاهرود به مشهد یکی از مهمترین اقدامات روسها باهدف تامین منافع سیاسی و اقتصادی در این شهر بوده است (عیسوی، ۱۳۶۹: ۲۳۵).

از همین روشریط تجاری حاکم بر شاهرودسبب شد تا بتدریج کمپانی های روسی در این شهر اسکان یابند و به تجارت بپردازد. بیکر، درسفر خود به شاهرود از تجار روسی یاد میکند که به تجارت ابریشم، پوست، پشم و کتان مشغول بودند (Baker, 1876: 85). بوهلر (Boehler) نیز از ایجاد تجارت خانه های روسی و فعالیت آنها در خرید و فروش اجناس شاهرود یاد کرده است (بوهلر، ۱۳۵۷: ۶۸). در سال ۱۲۷۶ق نیز کاروانسرای در شاهرود توسط حاج ابوطالب بنا شد که به شرکت «بازرگانی ماورای خزر» اجاره داده شد (میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵: ۲۸ و نیز ملگونف، ۱۳۷۶: ۱۵۵ و ۱۶۸). این شرکت، بیشتر به معامله ومبادله کالاهایی چون آهن، فولاد، ظروف مسی، بلورچینی و ماهوت در تهران وشاهرود می پرداخت. ضمن اینکه مبادله آهن در شاهرود در اختیار ترکمن ها بود و این مبادله در ماه های پرفرت و آمد سال یعنی از سپتامبر تا مارس یا آوریل صورت می پذیرفت (همان: ۲۲۲).

مهمترین کالاهای صادراتی در این دوره، صادرات پنبه بود که معمولاً به روسیه صادر می شد (همان: ۱۵۶). تجار ارمی ساکن در شاهرود، کارخانه چرخ در اختیار داشتند که از طریق آن پس از خرید غوزه پنبه از سبزوار، به جداسازی پنبه پرداخته و پس از تکمیل کار، پنبه به بندرگز ارسال و از آنجا به روسیه صادر می شد (لوات، ۱۳۴۸: ۲۵۷-۲۵۸). علاوه بر پنبه، کالاهایی چون ابریشم، مس و گوگرد از خراسان وارد شاهرود شده و از آنجا به روسیه صادر می شد و درازای آن، قند از روسیه، چای از هند، پارچه هایی با مارک کارخانه بمبی به رنگ سفید و پارچه هایی با مارک منچستر در شاهرود به فروش میرسید (کرزن، ج ۱: ۳۸۷). کرزن در سال ۱۳۰۵ از دیگر کمپانی های فعال تجاری در شاهرود نظیر کمپانی مرکوری روسی، زیگلرو تومانیانس یاد کرده است (همان: ۳۷۸).

در اوایل عصر قاجار، شاهرود نیز به تجاری شدن کشاورزی و محصولات زراعی نقدینه آور روی آورد به گونه ای که اراضی آن به زیر کشت تنباکو رفت و عملاً جایگزینی تنباکو

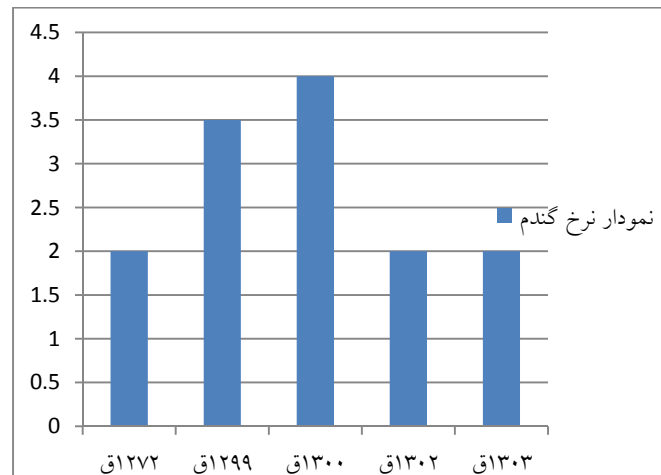
به جای گندم، کمبود این محصول را در این شهر به ارمنان آورد؛ کمبود غله در سال ۱۳۰۱ق، حاکم‌شاهروود و بسطام را واداشت تا نیاز خود را از طریق آوردن غله از دامغان مرتفع سازد (ایران، ۱۳۰۱، ج ۲۱۸۳: ۳).

تولید چکمه و پوتین های بسیار عالی در این شهر، از دیگر فعالیت های تجاری این منطقه محسوب می شد و کرزن برای عقیده بود که شاه و خاندان سلطنتی او در کسب و کار و تجارت چکمه و پوتین نقش داشته اند (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۷۸).

خشکسالی سال ۱۲۸۷ق و به دنبال آن روند گرانی اجناس در سال ۱۲۸۸ق و تداوم آن در سال ۱۲۸۹ق، سبب شد تا قیمت گندم افزایش یابد (روزنامه دولت علیه ایران، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۲۴۷). جاری شدن سیل در سالهای ۱۲۹۲ و ۱۲۹۳ق، باعث تخریب محصولات کشاورزی شد (ایران، ۱۲۹۳ق، ج ۲: ۱۲۰۸) و تداوم آن در سال ۱۲۹۵ و ۱۲۹۶ق نیز صدمات بسیاری به اقتصاد منطقه وارد ساخت (همان، ۱۲۹۹ق، ج ۲: ۱۵۷۸). در سال ۱۳۰۵ق نیز شاهروود دچار کمبود غله شد که با تدابیر اتخاذی ضیاء الدوله، حاکم شاهروود و بسطام، این کمبود مرتفع گردید (همان، ۱۳۰۵، ج ۴: ۲۸۶۸).

جدول شماره ۴: قیمت گندم در شاهروود در بخشی از دوران قاجار

سال	قیمت	منبع
۱۲۷۲ق	۲ تومانی	( وقایع اتفاقیه، ۱۲۷۲: ۱۷۲۵ / ۳ )
۱۲۹۹ق	۳/۵ تومانی	( ایران، ۱۲۹۹: ۱۹۰۶ / ۲ )
۱۳۰۰ق	۴ تومانی	( ایران، ۱۳۰۰: ۲۰۴۱ / ۳ )
۱۳۰۲ق	۲ تومانی	( ایران، ۱۳۰۲: ۲۲۷۲ / ۳ )
۱۳۰۳ق	۲ تومانی	( ایران، ۱۳۰۳: ۲۴۱۵ / ۳ )
۱۳۰۸ق	۲ تومانی	( ایران، ۱۳۰۷: ۲۹۴۸ / ۴ )



نمودار شماره ۳: نرخ گندم در شاهرود در بخشی از دوران قاجار

از دیگر شاخصه‌های مهم در توسعه اقتصادی شاهرود، وجود معادن و ذخایر ارزشمند آن است که در صورت بهره برداری شایسته از آنها می‌توانست در رشد و توسعه اقتصادی هر شهری سودمند باشد که از جمله مهمترین معادن این شهر می‌توان به پلاتین در کوه‌های شاهرود و بسطام (مکنزی، ۲۱۷)، سرب در کوه بره هوض (ملگونف، ۱۳۷۶: ۱۸۵)، مس و نمک در زرین کمر ابر در ۲۰ فرسنگی استرآباد به شاهرود اشاره نمود (همانجا). به نظر می‌رسد با وجود شناسایی معادن توسط سیاحان انگلیسی، علاوه بر عدم صرفه و توجیه اقتصادی برای استخراج معادن، ناامنی نظامی حاصل از حملات ترکمن‌ها در این منطقه می‌توانست مانع از استخراج معادن شود.

## ۶. نتیجه‌گیری

مطالعات تحقیقی روی ساختار اقتصادی و اجتماعی شهر شاهرود در اوایل عصر قاجار نشان می‌دهد که این شهر به دلیل موقعیت مهم تجاری و اقتصادی، قرار داشتن در مسیر زیارتی و رونق داشتن صادرات برخی از محصولات کشاورزی همچون پنبه با رویکرد تجاری سازی کشاورزی و تبدیل این شهر به عنوان انبار کالا در شرق، به رشد و توسعه محسوسی دست یافت به گونه ای که از دیدگاه نگارندگان، شاهرود از قصبه ای کوچک به شهری پررونق مبدل گشت. با این وجود علی‌رغم توسعه اقتصادی، از تعداد مغازه های

فعال در این شهر از سال ۱۲۵۰ق تا سال ۱۳۰۳ ق کاسته شد. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد علی‌رغم شیوع بیماری‌های مسری و مرگ و میر ناشی از آن، تاثیر چندانی بر روند نزولی جمعیت در این شهر از سال ۱۲۳۹ تا ۱۳۰۵ ق دیده نمی‌شود. ثابت ماندن تعداد مساجد، مدارس و کاروانسراها موید بر این موضوع است اما تغییر در تعداد محلات در سال‌های مختلف متأثر از شیوع بیماری‌های مسری و بلایای طبیعی بوده است. پژوهش بر روی ساختار اقتصادی شاهرود نشان می‌دهد در عصر قاجار به دلیل بهره‌برداری از توانمندی‌های اقتصادی شاهرود همچون اقلیم جغرافیایی مناسب در تولید ابریشم و نیز اسکان تجار و بازرگانان روسی و ارمنی و مبادله کالاهای متعدد تجاری سبب شد تا بر سرعت توسعه اقتصادی این شهر افزوده شود. هرچند شیوع انواع بیماری‌ها و برخی از بلایای طبیعی می‌توانست بر افول اقتصادی این منطقه موثر باشد اما روند توسعه اقتصادی و توجه حاکمان منطقه به حفظ سرمایه‌گذاری در این شهر سبب شد تا در مقایسه با دامغان و سمنان دچار چالش‌های کمتری باشد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. فاصله این شهر از تهران ۴۰۰ کیلومتر و از مشهد ۵۰۰ کیلومتر می‌باشد. بر اساس آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۵ش، جمعیت شهرستان شاهرود ۲۱۸۴۷۴ نفر بوده است به طوریکه این شهرستان، اولین شهرستان پرجمعیت استان سمنان محسوب می‌شود ([www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)).
۲. بسطام نام شهری در شهرستان شاهرود است. این شهر در ۶ کیلومتری شمال شرقی شاهرود قرار دارد. بسطام از غرب به رشته‌کوه‌های شاهوار و از شرق به منطقه میامی و از شمال و شمال غرب به استان گلستان مرتبط می‌باشد.
۳. شیروانی تعداد خانه‌های شاهرود را ۱۰۰۰ باب می‌داند که با احتساب تقریبی هر خانوار ۵ نفر این عدد حاصل شده است.
۴. نویسنده روزنامه هرات جمعیت شاهرود را ۱۰۰۰ خانوار ذکر کرده است که با احتساب تقریبی هر خانوار ۵ نفر این عدد به دست آمده است.
۵. فریر تعداد خانه‌های شاهرود را ۹۰۰ باب نوشته است که با احتساب تقریبی هر خانه ۵ نفر، رقم تقریبی ۴۵۰۰ نفر حاصل شده است که با توجه به روند متغیر رشد جمعیت در شاهرود، این تعداد را می‌توان پذیرفت.

۶. میرزا ابراهیم تعداد خانه های شاهرود را ۷۵۰ باب ذکر کرده است که با توجه به احتساب تقریبی هر خانوار ۵ نفر رقم تقریبی فوق به دست آمده است.
۷. حکیم الممالک از ۲۰۰۰ خانوار در شاهرود یاد می کند که با احتساب تقریبی هر خانه ۵ نفر، رقم تقریبی ۱۰۰۰۰ نفر به دست می آید که با توجه به روند متغیر رشد جمعیت در این شهر، این تعداد را با احتیاط می توان پذیرفت.
۸. مک گرگر از ۱۰۰۰ خانوار در شاهرود یاد کرده است که با احتساب تقریبی هر خانه ۵ نفر، عدد ۵۰۰۰ نفر به دست آمده است.
۹. اعتماد السلطنه در البلدان از ۹۰۰ خانوار در شاهرود یاد می کند که با احتساب تقریبی هر خانه ۵ نفر، عدد فوق حاصل شده است.

## کتابنامه

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷)، مرآت البلدان، به تحقیق هاشم محدث و عبدالحسین نوایی، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳)، تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران: دنیای کتاب.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۷۶)، چهل سال تاریخ ایران، گردآورنده ایرج افشار، ج ۱، تهران: اساطیر.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۵). مطلع الشمس، ج ۳، تهران: سازمان خدمات اجتماعی.
- بوهرلر، الکساندر (۱۳۵۷)، سفرنامه و جغرافیای تاریخی گیلان و مازندران، به کوشش محمد تقی پور احمد جکتاجی، لاهیجان: گیل.
- حکیم الممالک، علی نقی بن اسماعیل (۱۲۸۶)، سفرنامه ناصرالدین شاه به خراسان یا روزنامه حکیم الممالک، تهران: انتشارات کارخانه آقامیر باقر طهرانی.
- خانیکوف، نیکولای ولادمیر (۱۳۷۵)، سفرنامه خانیکوف، ترجمه اقدس یغمایی و ابوالقاسم بیگناه، مشهد: آستان قدس رضوی.
- روزنامه ایران (۱۳۰۱)، ج ۲، ۳، ۴، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- روزنامه دولت علیه ایران (۱۳۷۳)، به اهتمام جمشید کیانفر و عنایت الله رحمانی، ج ۲، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- سپهر، محمد تقی (۱۳۷۷)، ناسخ التواریخ، به اهتمام جمشید کیانفر، ج ۱، تهران: اساطیر.
- شیرازی، میرزا فضل الله (۱۳۸۰)، تاریخ ذوالقرنین، به تصحیح ناصر افشارفر، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- شیروانی، زین العابدین (۱۳۰۱)، بستان السیاحه، تهران: کتابفروشی سنایی و محمدی.
- شیروانی، زین العابدین (۱۳۴۹)، ریاض السیاحه، مصحح اصغر حامد ربانی، ج ۳، تهران: کتابفروشی سعدی.
- شیندلر، هوتم و دیگران (۱۳۵۶)، سفرنامه خراسان در سه سفرنامه (هرات، مرو، مشهد)، به کوشش قدرت الله زعفران لو، تهران: دانشگاه تهران.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۴۷)، گزارش های سیاسی علاء الملک، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹)، تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار، تهران: نشر گستره.
- غفاری کاشانی، ابوالحسن (۱۳۶۹)، گلشن مراد، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: زرین.
- فرمانفرما، فیروز میرزا (۱۳۸۰)، سفرنامه کرمان و بلوچستان، به کوشش سعادت پیرا و منصوره اتحادیه، ج ۱، تهران: نشر تاریخ ایران.
- فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴)، سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی، ترجمه منوچهر امیری، تهران: طوس.
- قاسمی، سید فرید (۱۳۸۹)، چکیده و متن کامل سالنامه های ایران ۱۳۱۲-۱۳۹۰ق، تهران: مجلس شورای اسلامی.
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۸۰)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۱، تهران: علمی و فرهنگی.
- لوات، برسفرد (۱۳۴۸)، استرآباد نامه، به کوشش مسیح ذبیحی، تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین.
- مک گرگر، سی ام (۱۳۶۸) شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان، ترجمه اسد الله توکلی طبسی، ج ۲، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مکنزی، چارلز فرانسیس (۱۳۵۹)، سفرنامه شمال: گزارش چارلز فرانسیس مکنزی اولین کنسول انگلیس در رشت از سفر به مازندران و استرآباد، تهران: کتابسرا.
- ملگونف، گریگوری (۱۳۷۶)، کرانه های جنوبی دریای خزر یا استان های شمالی ایران، ترجمه مسعود گلزاری، تهران: کتابسرا.
- میرزا ابراهیم (۱۳۵۵)، سفرنامه استرآباد، مازندران و گیلان، به کوشش مسعود گلزاری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ناصرالدین شاه (۱۳۶۱)، سفرنامه خراسان، زیر نظر ایرج افشار، تهران: انتشارات بابک.
- ناطق، هما (۱۳۵۶)، «تأثیر اجتماعی و اقتصادی بیماری وبا در دوره قاجار»، نگین، ش ۱۴۸: ۳۰-۶۲.
- واتسون، رابرت گرت (۱۳۵۴)، تاریخ ایران در دوره قاجاریه از ابتدای قرن ۱۹ تا سال ۱۸۵۸م، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: سیمرغ.
- وامبری، آرمینیوس (۱۳۸۱)، زندگی و سفرهای وامبری، ترجمه محمد حسین آریا لریستانی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

ساختار اقتصادی و اجتماعی شاهرود در نیمه اول عصر قاجار ۳۵

وقایع اتفاقیه (۱۳۷۳)، ج ۳، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.  
ییت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵)، خراسان و سیستان: سفرنامه کلنل ییت به ایران و افغانستان، ترجمه  
قدرت‌الله روشنی و مهرداد رهبری، ج ۱، تهران: یزدان.

Baker, Valentine( 1876), Clouds in the East: Travel and Adventures on the Perso- Turkoman Frontier, London: Chatto and Windus, Piccadilly.

Browne, E.G( 1893), A Year among the Persia, London: Adam and Chawrles Black.

Fraser,JamesBailie ( 1825), Journey in to Khorasan in the Years 1821 and 1822, London: Paternoster- Row.

Conolly, Arthur( 1834), Journey to the North of India, Overland from England, Through Russia, Persia and Affghaunistaun, vol:1, London: Richard Bentley, New Burlington Street.

Ferrier, J.P( 1857), Carvan Journey and Wanderings in Persia, Afghanistan, Turkistan and Beloochistan, chap: VI, London: John MURRAY, Albemarle Street.

Marsh, HippisleyCunliffe( 1877), A Journey Through Persia and Afghanistan to India, via Meshed, Heart and Kandahar, London: Tinsley Brothers, Catherine Street, Strand.